



بیعتی صورت نگرفته بود؛ پس طبعاً شق دوم خواهد بود .

۳ • .امیرالمؤمنین در خطبه ۱۷۲ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَقَدْ قَالَ قَائِلٌ: إِنَّكَ عَلَىٰ هَٰذَا الْأَمْرِ يَأْتِيَنِي أَبِي ظَالِمٌ لِّخَرِيصٍ، فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتُمْ وَاللَّهِ لَاخِرُصٌ وَأَبْعَدُ، وَأَنَا أَخَصُّ وَأَقْرَبُ وَإِنَّمَا طَلَبْتُ حَقًّا لِي وَأَنْتُمْ تُخَوِّلُونَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۲)؛ یکی به سخن آمد و به من گفت: ای پسر ابوطالب! چقدر به خلافت آزمندی. گفتم: به خدا سوگند، شما بدان آزمندترید، با آنکه از رسول‌الله ﷺ دورترید و من از شما به خلافت مخصوص‌ترم و به او نزدیک‌تر. من حقی را طلبیدم که از آن من بود و شما میان من و حق من حائل شدید و مرا از آن منع کردید. باز این کدام حق است که امیرالمؤمنین ﷺ از آن دم می‌زند؟ حقی است که مردم به او داده‌اند یا حقی است که خدا به او سپرده است؟ احتمال نخست با بیعت و اقبال مردم صورت می‌گیرد و در روزی که امام این سخن را گفت؛ یعنی روز سقیفه، هرگز بیعتی صورت نگرفته بود؛ بنابراین این حق، حقی بوده که خدا به او سپرده است.

۴ • از اینها گذشته متواترترین روایت در اسلام، روایت غدیر است که قریب ۳۶۰ عالم سنی در کتاب‌های خود آن را نقل و متجاوز از یکصد وده صحابی آن را روایت کرده‌اند.

در آن خطبه با توجه به پیشگفتار پیامبر ﷺ که از رحلت خود سخن می‌گوید، مقصود از «مولا» ولایت و زعامت آن‌حضرت است و نزول آیه‌های ابلاغ و اکمال، همگی حاکی از آن است که مقام ولایت پس از پیامبر مقام تنصیبی است و ولایت امام، منصوص از جانب خدا بوده است؛ البته نصب الهی زمینه‌های مناسبی را برای خود می‌طلبد که همسان علم و دانش و زهد و وارستگی و عدالت‌خواهی و دادگستری و غیره است.

دلایل فوق برای ابطال دیدگاه جناب سلیمانی اردستانی کافی است.

عملی شد و توسط استادان دانشگاهی مبرز کشور تأیید گردید.

آیت‌الله رجبی بر ویژگی‌های معنوی مشاور تأکید کرد و گفت: در روایات متعدد آمده که مشاور باید خشیت الهی، خوف الهی و تقوای الهی داشته باشد. این ویژگی‌ها نه‌تنها یک حالت روحی است، بلکه در شناخت دقیق و پی‌بردن به لایه‌های پنهان مشکل مؤثر است.

• **مشاوره براساس علوم غربی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز جامعه اسلامی باشد**

حجت‌الاسلام والمسلمین حمید ملکی در اجلاسیه سراسری مدیران، مسئولان فنی و مسئولان پذیرش مراکز مشاوره سماح کشور که در مدرسه عالی دارالشفای قم برگزار شد، با اشاره به گسترش کمی و کیفی رشته‌های تخصصی در حوزه‌های علمیه گفت: حوزه امروز آماده پاسخگویی به شبهات روز در تمام زمینه‌هاست و این حرکت مبارکی است که در قم اتفاق افتاده است.

قائم‌مقام مدیر حوزه علمیه قم افزود: در حال حاضر در حوزه‌های علمیه بیش از صد رشته و گرایش داریم که یکی از آنها نیز بحث روان‌شناسی و مشاوره است و بین چهار تا پنج هزار نفر عضو انجمن علمی داریم.

وی ادامه داد: نگاه رهبر معظم انقلاب این است که حوزه موفق، تا «حوزه پیشرو و سرآمد» فاصله دارد که باید حرکت را آغاز کنیم و به مطلوب مورد نظر مقام معظم رهبری برسانیم.

وی بر لزوم روزآمدی اطلاعات علمی تأکید کرد و گفت: این ارزش است که یک روحانی دانشمند در رشته‌ای که وارد می‌شود، اطلاعات خود را به‌روز کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملکی تأکید کرد: اگر جامعه اسلامی در عرصه فناوری فعال نباشد، دشمنان کنترل آن را به دست گرفته و نسل آینده را به تنبلی و وابستگی می‌کشانند. درست است که استفاده از فناوری‌های جدید انسان را جلو می‌اندازد، اما در استفاده از آن باید دقت شود.

قائم‌مقام مدیر حوزه علمیه قم، با استناد به آیه کریمه «إِنْ تَمَسَّسْتُمْ خَسَنَةً تَشْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»، بیان کرد: من در این مدت ندیدم، طلبه‌ای که وظیفه طلبگی خود را به‌درستی انجام دهد، یعنی هم علم و هم تقوا را رعایت کند، دچار مشکل شود.

وی با اشاره به ضرورت ترکیب علوم جدید با معارف دینی، گفت: اگر روان‌شناسی می‌آموزیم، اگر دانش‌های بشری را فرا می‌گیریم، باید این علوم در قالب معنویت و تقوا ارائه شود.

قائم‌مقام مدیر حوزه علمیه قم، با تأکید بر لزوم بهره‌گیری از دستورات الهی در مشاوره، گفت: روحانیت باید مسجد را کانون اصلی ارتباط با مردم قرار دهد و از الگوهای غربی مشاوره که بر خودمحوری استوار است، پرهیز کند. باید به فرمول‌های الهی تکیه و رابطه آن‌ها را کشف کنیم.

دربادداشت دکتر محمد محمدرضایی بررسی شد

نقد دیدگاه

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی

درباره وصایت و خلافت

امیرالمؤمنین امام علی علی‌الیه

در مناظره‌ای میان حجت‌الاسلام عبدالرحیم سلیمانی اردستانی و حجت‌الاسلام حامد کاشانی درباره خلافت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، اردستانی وصایت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در انتصاب امام را انکار و پذیرش خلافت را ناشی از خواست مردم دانست. دکتر محمد محمدرضایی در نقد این دیدگاه، با استناد به خطبه‌های نهج‌البلاغه و واقعه غدیر تأکید می‌کند که خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام منصبی الهی و منصوص از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

شما باشیم.»

بنابراین امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نسبت به خلیفه اول شایسته‌تر بوده نه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را به خلافت نصب کرده باشد.

• **نقددیدگاه اردستانی**

ظاهراً جناب اردستانی خطبه‌های دیگر آقا امیرالمؤمنین علیه السلام را مورد توجه قرار نداده‌اند که به وصیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به امر خلافت حضرت اشاره می‌نمایند و [من] در نقد مدعای ایشان نکاتی را بیان می‌نمایم.

۱• .امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در خطبه دوم نهج‌البلاغه آنگاه که به معرفی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازند، می‌فرمایند: «ولهم خصائص حق الولاية وفيهم الوصية والوراثة؛ الآن از رجع الحق الی اهله ونقل الی منتقله(نهج‌البلاغه، خطبه ۲)؛ ویژگی‌های ولایت از آنان است و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و وراثت او در میان آنان است؛ هم‌اکنون حق به اهلس(علی علیه السلام) بازگشت و دوباره به جایی که از آنجا منتقل شده بود، باز گردیده است.»

در این تعبیر حضرت علی علیه السلام ملاک خلافت را وصیت پیامبر می‌داند، نه اقبال و رأی مردم و نیز خلافت گذشتگان را خروج از محور حق معرفی می‌کند؛ درحالی‌که اقبال مردمی برای آنان بود.

۲• .«فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ مَذْذُوعًا عَنْ حَقِّي مُشْتَائِرًا عَلَيَّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله حَتَّى يَوْمَ النَّاسِ هَٰذَا (نهج‌البلاغه، خطبه ۶)؛ سوگند به خدا که از آن زمان که رسول‌الله صلی الله علیه و آله رخت به سرای دیگر برده است تا به امروز، مرا از حقم بازداشته‌اند و دیگری را بر من برتری داده‌اند و برگزیده‌اند.» این کدام حق مسلم است که از دوران رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از او گرفته شده است؟ حقی که با بیعت پدید می‌آید؟ یا حقی که از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله به وی داده شده است. احتمال نخست منتفی است؛ زیرا

مناظره‌ای در باب امامان معصوم شیعه از جمله امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و شهادت حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بین جناب حجت‌الاسلام آقای عبدالرحیم سلیمانی اردستانی و جناب حجت‌الاسلام آقای حامد کاشانی در مورخ ۹ آذر ۱۴۰۴ صورت گرفت. جناب اردستانی در مناظره مطلبی را در باب خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان نمودند که نادرست بود و پاسخ مناسبی هم به ایشان داده نشد.

جناب اردستانی اعلام نمودند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسأله خلافت، به وصایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نکردند؛ بلکه فرمودند: اگر حضور و اشتیاق مردم نبود، خلافت را نمی‌پذیرفتم. من اگر مشاور شما باشم، بهتر است از اینکه امیر شما باشم؛ لذا اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را به‌عنوان خلیفه انتخاب کرده بود، حتماً به این امر اشاره می‌کردند. سپس به دو بیان حضرت در این باب تمسک کرده‌اند.

۱.لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقيامُ الْحُجَّةِ بِوجودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَ الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُّوْا عَلَيَ كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ ، لِأَلْقَيْتُ خَيْلَهَا عَلَي غَارِبِهَا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)؛ اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام‌شدن حجت با وجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده رضایت ندهند، هر آنچه مهار شتر خلافت را بر شانه‌اش می‌انداختم.

۲. «دَعُونِي وَالْتَمِشُوا غَيْرِيوَأِنْ تَرَكْتُمُونِي فَأَنَا كَأَخِيكُمْ وَلَعَلِّي أَشْمَعُكُمْ وَأَطْوَعُكُمْ لِمَنْ وَلَيْتُمُوهُ أَمْزَكُمْ وَأَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲)؛ مرا رها کنید و به سراغ دیگری بروید و اگر دست از من بردارید، من همانند یکی از شما خواهم بود و در میان کسانی که ولایت امور را بدو می‌سپارید، من شنوتار و فرمانبردارتر می‌باشم. من اگر وزیر شما باشم، بهتر است از آنکه امیر

آیت‌الله رجبی تأکید کرد

مشاوره دینی سلامت روانی جامعه را تأمین می‌کند



به‌هم‌ریخته را کاملاً سامان دهد.

رئیس مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه تصریح کرد: در مشاوره دینی، هدف پول یا استفاده ابزاری از انسان‌ها نیست؛ بلکه نجات آن‌ها و حل مشکلات آنان هدف است.

وی با تأکید بر هویت طلبگی و دینی مشاوران گفت: آنچه برای ما و شما عزیزان که طلبه هستیم و می‌خواهیم طبق موازین دینی مشاوره دهیم مهم است، اینکه جنبه دینی مشاوره را رعایت کنیم. عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، با اشاره به وضعیت فعلی مشاوره دینی اظهار کرد: ما هنوز در قدم‌های اولیه در مسأله مشاوره دینی هستیم و مانند هر عرصه دیگری، اینجا کار مجتهدانه و عمیق می‌خواهد و باید در زمینه مشاوره دینی نیز به تربیت مجتهد بپردازیم. آیت‌الله رجبی با اشاره به سخن علامه طباطبایی رحمته الله علیه گفت: ایشان گفتند که قرآن صاحبان همه تخصص‌ها را به تحدی دعوت می‌کند. به جامعه‌شناسان می‌گوید: من در مباحث جامعه‌شناسی با شما تحدی می‌کنم، به روان‌شناسان نیز همین‌طور. این سرمایه عظیم و در کنار آن، احادیث معصومین علیهم السلام در اختیار حوزه علمیه قرار دارد که می‌تواند آن را در اختیار تمام مردم جهان قرار دهد.

وی بر ضرورت پژوهش در این عرصه تأکید کرد و گفت: حتماً باید یک پژوهشکده مشاوره اسلامی در حوزه تأسیس شود که محققان با خیال آسوده، کار دقیق علمی مربوط به مشاوره را انجام دهند و ما مشاوره را در سطح جهانی ارتقا ببخشیم. حوزه می‌تواند در سطح جهانی دیدگاه‌های جدید ارائه دهد.

رئیس مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه، به نمونه‌های عملی موفق اشاره کرد و گفت: ما نمونه‌ای در خود مؤسسه در بحث درمان وسواس داشتیم که یک نظریه جدید از آیات استخراج شد و تبدیل به یک تجربه